

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

نعمت الله مختارزاده

شهر اسن – المان

## پنجۀ فولاد

قهرمانِ عصرِ حاضر ، این سخن یادت نره  
خانه و نان و لباسِ مرد و زن ، یادت نره  
سوی خوبان گه گهی ، چشمکِ زدن یادت نره  
پیرهن ، تنبان ، قره قل ، با چین یادت نره

چرس و نسوار و چلم ، ای جانِ من یادت نره

یادِ ایامی که در کابل ، بهاری داشتیم  
در بهاران ، هر طرف گشت و گذاری داشتیم  
قرغه و پغمان و استالف ، قراری داشتیم  
بس پلان ، دانه و ، دام و شکاری داشتیم

وعدۀ شهرِ نو و ، دانِ چمن یادت نره

یادِ نوروز و ، برات و ، عیدِ قربان هم بخیر  
رفت و آمد ها و دیدارِ عزیزان هم بخیر  
میله گل غندی و ، سیرِ سخی جان هم بخیر  
شرط بندی های پیران و جوانان هم بخیر

گر پل بهسود رفتی ، آمدن یادت نره

زورِ بی قالب ، به میهن ، خود نمایی میکنه  
زاغِ بی دُم ، دورِ گل ، نغمه سرایی میکنه

موش ، در نزد پشک ، دیده درایی میکنه  
ناخلف ، حتا به بابا بیوفایی میکنه

**احترام و حرمت ، مادر وطن یادت نره**

چادر تبعیض ، بر روی زنان افتاده بود  
حق زن در زیر پای ناکسان افتاده بود  
گوشه منزل ، اسیر و بی زبان افتاده بود  
گرچه مادر بود ، با آه و فغان افتاده بود

**اولین استاد حرف و ، گپ زدن یادت نره**

ظالمان درس سیاست ، بی کتابت داده اند  
دالر و کدار و ربل بی حسابت داده اند  
با پلان شوم امریکا ، نقابت داده اند  
عاقبت از خون هم میهن ، شرابت داده اند

**طفل مظلوم یتیم و ، بیوه زن یادت نره**

ای جناب بوش ، می لازم که تو ، با ماستی!!!  
با تونی بیلیر و شارون ، گاهی با ملاستی  
گاهی با پوتین و کرزی ، گاهی هم تنهاستی  
گاهی چون اسامه و ملا عمر ، رؤاستی

**ملت باغیرت و ، زنجیر شکن یادت نره**

انگلیسی ها ، ز راه دین و مذهب تاختند  
آبروی خویشان را ، روسها ، مفت باختند  
لغتی های عرب ، دامی ز جهل انداختند  
مثل خود ما را به امریکاش ، نوکر ساختند

**پنجة فولاد افغان ، ریشه کن یادت نره**

کاش بودی شاه امان الله درین عصر و زمان  
با وزیری ، همچو اکبرخان ، آن شیر ژیان  
پرچم وحدت و استقلال ، بودی جاودان  
ریشه کن می گشت استعمار ، از افغان ستان

**دشمنان را مُشت سنگی ، بر دهن یادت نره**

حیف ، قدر و حرمت بیچاره را شناختیم

با ملاها و چلیها ، سخت بر او تاختم  
بیوطن ، آواره ، از شهر و دیارش ساختیم  
ثروت داد خدارا ، مُفت و بیجا باختیم

### باندامت ، پاره تادامن ، یخن یادت نره

یاد ایامی که ما را جشن استقلال بود  
بر وزیر و ، بر اجیر و ، تاجر و بقال بود  
هر فقیر و هر غنی ، آسوده و خوشحال بود  
وحدت پندار و هم اقوال و هم اعمال بود

### حال جنگ کرگس و زاغ و زغن یادت نره

روز و شب ورد زبان خویش وحدت کرده ایم  
در عمل ، از جمله ممنوع ، نفرت کرده ایم  
افتخار خویشتن ، بَغض و عداوت کرده ایم  
پُشت ادیان الهی ، سخت ، تهمت کرده ایم

### روز محشر پیش داور ، آمدن یادت نره

ای تفنگ سالار ، کیش و دین و آیین تو جنگ  
روز و شب داری عبادت ، با کلنگ و با تفنگ  
شیشه دل پاک بنما ، از تمام رنگ و زنگ  
اشرف مخلوق میباشی ، نه کفتار و پلنگ

### مظهر وصف و صفات حق شدن یادت نره

خامه تدبیر ما ، آخر به جولان آمده  
واژه های وحدت عالم به میدان آمده  
صفحه دل پاک ، بر تحریر پیمان آمده  
صلح عالم در جهان ، دارو و درمان آمده

### سُفته های شاعران ، در انجمن یادت نره

رسم و آیین دورنگی از جهان بیگانه شد  
کینه و بَغض و عداوت ، کسب هر دیوانه شد  
اهل عالم عضو ، بر یک خانه و کاشانه شد  
زن به مثل زلف و اما ، مرد بر او شانه شد

### «نعمتا» بلبل به شاخ نسترن یادت نره